

نقدی ساختاری بر دو رویکرد در سازمان های مردم نهاد (NGO) علیرضا عسگری

چهارشنبه، ۱۲۴ ام مهر، ۱۳۸۷

تعاریف اولیه؛ در جنبش های اجتماعی و جهانی و در میان تشکل های مردم نهاد که با پدیده کار کودک مبارزه می کنند، کار کودک عبارت است از کاری که به سلامت ...

تعاریف اولیه؛ در جنبش های اجتماعی و جهانی و در میان تشکل های مردم نهاد که با پدیده کار کودک مبارزه می کنند، کار کودک عبارت است از کاری که به سلامت جسمی، روحی و فکری کودک صدمه بزند و کودک نتواند به عنوان یک انسان از حقوق انسانی و کودکانه خود و از یک زندگی شرافتمندانه بهره گیرد. از طرفی مطابق تعریف پیمان نامه جهانی حقوق کودک افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می شوند. مقاله نامه های ۱۸۲ و ۱۳۸ سازمان جهانی کار (ILO) به ترتیب بدترین اشکال کار کودک و حداقل سن مجاز کار کودکان را تعریف کرده و کشورهایی را که به این مقاله نامه ها پیوسته اند ملزم به تلاش جدی برای محو کار کودک در حدود سنی و شرایط کاری تعریف شده دانسته است .

امروزه در سراسر جهان بیش از ۲۱۸ میلیون کودک به عنوان کودک کار در شرایط دشواری با زندگی دست و پنجه نرم می کنند. کار کودکان در کنار کار زنان (در اشکالی خاص) نوعی از استثمار انسان ها برای کسب حداکثر سود و بهره از نیروی کار انسان- با پرداخت حداقل دستمزد در شرایط بسیار دشوار- است که در این روند ضمن آنکه حقوق انسانی کودکان پایمال می شود به دلیل محدود شدن اجباری یا حتی قطع امکانات آموزشی، تفریحی و رشد کودکان خود پدیده کار کودک به بازتولید ناآگاهی، فقر و نابرابری دامن می زند . به دلیل شرایط سخت زندگی کودکان کار که به خود آنان، خانواده و جامعه صدمات اساسی وارد می شود همواره تلاش هایی برای مبارزه با پدیده کار کودک انجام گرفته است. یکی از این جنبش ها که در زمانه ما اتفاق افتاده است رژه های جهانی علیه کار کودک است که در پی و به اختصار به جنبه های گوناگون آن اشاره می شود.

رژه جهانی علیه کار کودک؛ در سال 1998 به ابتکار یک تشکل در کشور هند، یک رژه جهانی برای رساندن پیام لزوم محو کار کودک برگزار شد. این رژه که با حضور هزاران تشکل مردمی (NGO) ، افراد و نهادها و تعدادی از کودکان کار در سراسر جهان برگزار شد، در مقر سازمان جهانی کار در ژنو به پایان رسید و تعدادی از کودکان شرکت کننده در این رژه ضمن شرکت در اجلاس سازمان جهانی کار، پیام میلیون ها کودک کار را مطرح کردند. این صدا شنیده شد و حاصل آن تصویب مقاله نامه ۱۸۲ سازمان جهانی کار بود که در آن بدترین اشکال کار کودک تعریف شده و اکنون ۱۶۵ کشور جهان با پیوستن به این مقاله نامه موظف به تلاش برای محو بدترین اشکال کار کودک هستند.

کایلاش ساتیراتی رهبر این جنبش جهانی است که اکنون هزاران عضو حقیقی و حقوقی (و از جمله تشکل های مردم نهاد در سراسر جهان) دارد . رویکرد جنبشی گلوبال مارش کلید اساسی موفقیت آن است .

این جنبش بدون آنکه خود را در چارچوب سازمان های بین المللی نظیر ILO ، یونسکو، سازمان ملل، یونیسف، بانک جهانی و ... زنجیر کند به دلیل ایجاد فشار از پایین توسط کودکان کار و فعالان لغو کار کودک در سراسر جهان خود را به تعبیری به این نهادها تحمیل کرده و دارای جایگاه موثر و غیرقابل انکاری در این گونه نهادها است. گلوبال مارش از جمله در برنامه آموزش برای همه سازمان ملل (EFA) نقش اساسی بازی می کند. همچنین در اهداف و برنامه ها و سیاستگذاری های نهادهایی نظیر ILO و بانک جهانی پدیده کار کودک و لزوم مبارزه علیه این پدیده را درون سیاست ها و برنامه های اجرایی آنها گنجانده است. در این جنبش کودکان کار به رهبران واقعی فعالیت ها تبدیل شده اند که این روند اثبات عملی این باور است که کودکان سازنده آینده جامعه جهانی هستند.

در ادامه با توجه به وجود زمینه فعالیت برای محو کار کودک در ایران به بازخوانی و نقد دو نوع ساختار و رویکرد در میان تشکل های مردم نهاد (NGO) می پردازیم. رویکرد موجود در مثال ذکر شده یعنی جنبش جهانی رژه علیه کار کودک و موفقیت آن به دلیل داشتن طرز نگاه جنبشی یک رویکرد مورد بحث خواهد بود و در نقطه مقابل آن رویکرد هرمی - محفلی تشریح خواهد شد . رویکرد مردمی - جنبشی در NGO ها شرط اساسی برای رویکرد مردمی - جنبشی در میان تشکل های مردم نهاد (NGO)ها حضور جدی و بی چون و چرای اعضا (و داوطلبان) است. حتی نقطه عزیمت حرکت نیز حضور اعضا است که سپس براساس این حضور مردمی یک ساختار و تشکل شکل می گیرد و در مراحل فعالیت و در ارکان ساختاری، مدیران فقط و فقط به عنوان منتخبان اعضا، مجری خواست، اراده و طرز فکر اعضا خواهند بود. در این گونه حرکت اجتماعی یگانه شالوده و اساسی ترین سرمایه حرکت که فعالیت در بستر آن شکل می گیرد اعضا و مردم هستند و در پویایی سالم، سازنده و ناگزیر این حرکت اجتماعی اعضا و مردم خود تغییر می کنند و در روندی افزایشده - به لحاظ کمیت و کیفیت - آگاهی درون اجتماع را نیز افزایش می دهند. و در نهایت آگاهی برای غیرقانونی دانستن پدیده کار کودک در میان حداکثر افراد و درون اجتماع ایجاد شده که این امر خود شرط اصلی برای هدف نهایی لغو پدیده کار کودک است.

رویکرد هرمی - نقض غرض حتی در گسترده ترین اشکال از فعالیت های هرمی - که در آن تمامی شئون تصمیم گیری در دست افراد راس هرم است - در جنبش لغو کار کودک، تنها نتیجه یی که عاید جنبش های اجتماعی می شود این است که مشارکت اعضا و (نتیجتاً اجتماع) و کودکان کار (که هر دو به یک اعتبار جامعه هدف هستند) به کلی از روند فعالیت ها حذف شود و بدین سان است که به جای اینکه این گونه مناسبت ها نقش خدمت رسانی روشنگرانه، پرسشگرانه، انتقادی و کنشگرانه را ایفا کند تبدیل به سوپاپ اطمینان می شود تا مناسباتی که پدیده کار کودک را بازتولید می کنند نفس راحتی بکشند. عریض و طویل شدن امکانات مالی و اعتبار کاذبی که در این گونه فعالیت ها در اجتماع کسب می شود به تقویت و استحکام مناسبات ذکر شده خواهد انجامید و در نتیجه افرادی که با نقاب فعال اجتماعی این رویکرد را ترویج می کنند نادانسته - ولی اغلب هدفمند - و حتی آگاهانه تبدیل به ابزاری می شوند که به فقر، نابرابری، ناآگاهی و بازتولید پدیده کار کودک خدمت می کنند.

حال آنکه رویکرد جنبشی - مردمی با تمام توان هدف لغو کار کودک را به درون جامعه می برد و از موضع حقانیت و مسوولانه و با پذیرفتن هزینه های مادی - معنوی بسیار، در کنار دیگر جنبش های اجتماعی در راه دگرگون کردن مناسبات غیرانسانی بازتولیدکننده معضلات اجتماعی قدم می گذارد که نهایتاً در یک نقطه مشترک و در تلاقی با دیگر جنبش های اجتماعی، جامعه انسانی و برابری محور را بنیان خواهد گذاشت. در رویکرد جنبشی آنچه نام فعالیت اجتماعی برمی آید، به میان کشیدن بیش از پیش اعضا و مردم و افراد اجتماع شرط اساسی و غیرقابل مناقشه است.

در این طرز نگاه و عمل آگاه کردن روز به روز مردم و اعضا، مشارکت دادن اعضا و نیز کودکان کار در امر فعالیت، پرسشگری و انتقاد برای ایجاد فشار به دولت ها در سطح جهان و نهادهای حقوقی و مراجع قانونی - سیاسی و اجتماعی جهانی و منطقه یی برای دست کم تغییر قوانین موجود به نفع کودکان و در نهایت محو معضل کار کودک هدف گیری می شود. آیا فشارهایی که برای این تغییرات اعمال می شود، می تواند صرفاً پشتوانه یک محفل خاص را در درون خود به همراه داشته باشد؟ مسلماً خیر. به عنوان مثال تصویب مقاله نامه ۱۸۲ سازمان جهانی کار که در آن بدترین اشکال کار کودک معین و مبارزه علیه آن تصویب شده و ۱۶۵ کشور جهان به آن پیوسته اند فقط در اثر فشارهای جهانی توسط مردم، نهادها، کودکان کار و رژه یی بود که در سال ۱۹۹۸ ترتیب داده بودند. در این گونه رویکردهای جنبشی - مردمی مانند آنچه گلوبال مارش در دستور کار خود قرار داده، اعضا شالوده اصلی حرکت، تصمیم گیری و کنش هستند و بهانه هایی که افرادی با طرز نگاه هرمی، امنایی، فردمحورانه و محفل گرایانه تبلیغ می کنند فریبی بیش نیست. در واقع صورت مساله این نیست که چگونه راس هرم در این تشکل ها تصمیم گیری، قدرت، رویکرد فعالیت ها، منابع مالی، منابع معنوی و سرمایه های اجتماعی را به عنوان یک الزام اساسی به اعضا واگذار کند بلکه صورت قضیه این است که تمامی این شئون باید در اختیار اعضا - و منتخبان آنان - باشد و این اعضا هستند که تصمیم می گیرند کدام یک از شئون و ارکان تشکل را - برحسب کارشناسی و ضرورت - به منتخبان و افرادی در راس هرم تشکل واگذار کنند.

در این نسخه اختیارات، تصمیم‌گیری‌ها مرحمتی نیست که از بالا به پایین و به اعضا اهدا شده باشد، بلکه امانتی است که از پایین توسط اعضا به امانت نزد افراد منتخب در بالای هرم گذاشته می‌شوند.

علاوه بر این در جنبش لغو کار کودک علاوه بر نقش یگانه اعضا خود کودکان نیز نقش کلیدی بازی می‌کنند. در رویکرد هرمی-محفلی کودکان اشیا و سوژه‌هایی هستند که مورد لطف و ترحم بزرگسالان قرار گرفته‌اند و باید مقداری از حقوق آنها را به آنان بازگرداند. در این رویکرد کودک کار به جای ورود به مدارس رسمی که از آن محروم شده است اینک وارد یک آموزشگاه شده است که باید به خاطر مرحمت‌های بزرگسالانی دست‌اندرکار سر تعظیم فرود آورد و در یک ساز و کار پادگانی، اینک NGO نقش سرکوبگر را برای او بازی خواهد کرد.

در حالی که در رویکرد جنبشی-مردمی خود کودکان بخشی از مبارزه هستند. آنان می‌آموزند چگونه باید به مناسباتی که اساس حقوق آنان را نه تنها تهدید کرده بلکه زیر پا گذاشته است نه بگویند. در این رویکرد و در محیط تشکل‌ها و NGO های وفادار به آن کودک کار درست همان گونه که هست دیده می‌شود و نیازی نیست که در اینجا هم مشکلات اساسی که کودک به آن دچار شده نادیده انگاشته شود. کودک جزء حرکت است و او در کنار فعالان یا حتی پیشاپیش آنان قدم در زمین مبارزه گذاشته است. بدین ترتیب کودکان دوشادوش فعالان محیط خانواده، محیط کار و اجتماع را هدف آگاه‌سازی قرار می‌دهند و ضمن رشد شخصی خود-در اثر آموزش‌های مختلف-به حرکت و تشکل نیز غنا می‌بخشند و جدی‌ترین مساعدت را برای بردن پیغام لغو کار کودک به درون جامعه انجام می‌دهند.

البته باید به خاطر داشت که نباید مبارزه برای لغو کار کودک فقط بر دوش کودکان بیفتد چرا که بدون شک بزرگسالان و مناسباتی که آنان تولید و بازتولید می‌کنند، مسوولیت اصلی را بر عهده دارند ولی دست کم کودکان باید در تصمیم‌گیری‌ها حق رای مشورتی داشته باشند و آزادانه بخشی از امر سخنگویی را در درون جنبش بر عهده گیرند.

بدین اعتبار اعضای فعال و کودکان با حقانیت و با فشار از پایین ضمن کسب حداکثر امکانات و حقوق ممکن برای کودکان تحت پوشش، تعداد بیشتری از افراد جامعه را آگاه می‌کنند و بدون توجه به مناسبات اقتصادی-اجتماعی موجود در جهان و سازمان‌های عریض و طویل وابسته به آن، حضور خود و خواسته‌ها و حقانیت خود را به تمامی نهادهای بین‌المللی، منطقه‌یی و کشوری سیاستگذار تحمیل می‌کنند و شرایط را بیش از پیش دگرگون می‌کنند. به این اعتبار چنانچه نخست عده محدودی تشکل مردمی در این زمینه برپا کنند باید به سرعت و بی‌چون چرا ارکان تصمیم‌گیری و اجرایی را به نمایندگان اعضایی که به تشکل می‌پیوندند واگذار کنند، در غیر این صورت و در شرایطی که آن عده محدود به شکل قییم‌مآبانه بر تمامی شئون حرکت و بر امکانات مالی و مادی و امکانات معنوی و سرمایه اجتماعی تشکل (اعضا و اعتبار اجتماعی آن) تسلط داشته باشند، به طور مشخص در جهت عکس هدف اولیه قدم برداشته‌اند. حتی اگر موفق شوند به بهانه استحکام ساختار، مسائل را در ید قدرت خود نگه دارند و به لحاظ مادی و نیز گسترش سطحی، فعالیت، (به شکل شعبه‌ها و پروژه‌های مختلف اجرایی) را رقم زنند، متأسفانه نه فقط رویکردی اشتباه را به شکل بادکنکی رشد داده‌اند بلکه خطر آن بسیار اساسی و صدمات آن به حرکت‌های صحیح و اصولی دیگر غیرقابل جبران خواهد بود، اگرچه تجربه نشان داده است این طرز فکر قییم‌مآبانه که استحکام تشکل را بهانه قرار می‌دهد تا امور را در دستان عده‌یی محدود نگه دارد، معمولاً کل حرکت را در راستای مقاصد محفلی، خانوادگی و خودمحورانه یا شخص‌محورانه تقلیل می‌دهد و نمونه‌هایی هست که نشان می‌دهد متأسفانه حتی بدترین احتمال یعنی سوءاستفاده از منابع مالی و معنوی تشکل و حرکت نیز در این رویکرد به آسانی می‌تواند اتفاق افتد و از آن بدتر این است که گاه با تمسک به موارد حقوقی قانونی یا اساسنامه‌یی-که اعتبار آن فقط در دایره همان محفل خاص معنی پیدا می‌کند-چهره‌یی قانونی و اساسنامه‌یی به سوءاستفاده از منابع مادی و سرمایه‌های اجتماعی تشکل می‌دهند و به ناگاه اعضا و مردم خود را درون دام چاله‌یی می‌بینند که توسط اعضای محفل راس هرم برای آنان تعبیه شده است که دلسردی و عدم اعتماد مردم و اعضا به هر گونه تشکل مردمی دیگر را ایجاد می‌کند.

باید متذکر شد در رویکرد جنبشی-برخلاف آنچه مخالفان آن به دروغ تفسیر می‌کنند-سازمان‌یابی و ساختار فعالیت بسیار مستحکم و باثبات‌تر از ساختار هرمی است که پایه آن بر تعداد محدودی افراد بنا شده است. در رویکرد مردمی-جنبشی اراده و

پشتوانه تمام اعضا که هر روز افزایش می یابند آنچنان استحکامی به ساختار فعالیت و تشکل ها می دهد که به هیچ روی تزلزل پذیر نخواهد بود. پرواضح است در این طرز نگاه و عمل منتخبان اعضا به نمایندگی و امانتداری مجری جمع بندی و اراده تعداد زیادی از اعضا خواهند بود که در این رهگذر سلامت و تقویت روند تصمیم گیری و اجرا به وضوح و بدون مناقشه تضمین شده است. در این رویکرد سخن از هرج و مرج و بی قاعدگی فعالیت نیست، بلکه همان گونه که ذکر شد مستحکم ترین شکل ساختار فعالیت از دل اعضا و مردم استنتاج می شود، به تصویب می رسد و به اجرا گذاشته می شود. طبیعتاً افرادی که به لحاظ تجربی - فکری فعال تر یا باتجربه تر باشند، می توانند با آگاه سازی شفاف و با به بحث گذاشتن طرز نگاه خود به تقویت برآیند حرکت تشکل یاری رسانند و این روند به شکل حقیقه کردن - سازمان یافته و ساختاری و اساسنامه ای - به روند فعالیت نیست بلکه نتیجه طبیعی تضارب آرا و نهایتاً انتخاب اعضا و پذیرفتن یا نپذیرفتن این طرز نگاه ارائه شده توسط فرد یا افراد خاص خواهد بود.

در نتیجه رویکرد مردمی و اعضا محور، هر تشکل مردمی، خود در نهایت امر در حکم عضوی از کل جنبش جهانی لغو کار کودک خواهد بود. در روند تکامل تک تک اعضای مردمی در دل هر تشکل و تقویت آن تشکل به عنوان عضوی از جنبش جهانی وابسته به آن نتیجتاً تکامل و تقویت جنبش جهانی لغو کار کودک حاصل خواهد شد. درست به همین دلیل است که برای رسیدن به یک جنبش جهانی قوی برای لغو کار کودک راهی به جز عبور از معبر حرکتی مردم محور و جنبشی در سطح جهانی، کشوری و ناحیه ای وجود ندارد و به تفصیل تشریح شد که حرکت مردم محور به جز از طریق یک تشکل مردمی که ساختار و اساسنامه و شکل حرکت آن از پایین به بالا و از مردم به سمت منتخبان باشد، حاصل نخواهد شد.

بسیاری از کسانی که شعارهای فریبنده بی مبنی بر احترام به اعضا و مشارکت آنان سر می دهند حتی اگر در ظاهر به طور صوری، ساختار مرامنامه و اساسنامه غیرهرمی و دموکراتیک در طاقچه به نمایش گذاشته باشند ولی تمام شئون و امور را نه تنها به شکل عملی - و گاه حتی به طور سازماندهی شده در قالب اساسنامه و ساختار هرمی - پی می گیرند به جز کلاهبرداری و سرقت سرمایه های اجتماعی هدفی برای خود در نظر نگرفته اند یا در خوشبینانه ترین حالت به صدماتی که به بنیان های اجتماع وارد می کنند آگاه نیستند.

نقطه عزیمت تقسیم بندی انواع رویکردها در این بحث، به دو نوع رویکرد جنبشی - مردمی و هرمی - محفلی اعتقاد به تقلیل تنوع نسخه ها و رویکردها فقط و فقط به این دو نوع رویکرد نیست، بلکه در حوزه رویکرد جنبشی - مردمی می توان انواع مختلفی از دیدگاه ها را یافت که البته حضور این گونه دیدگاه ها را به هیچ وجه نباید باعث نقض اصول اساسی و مناقشه ناپذیر دید و مشارکت از پایین باشد. از طرف دیگر در این میان - و به خصوص هنگامی که سخن از تشکل مردم نهاد (NGO) پایه بحث است - بدون تردید و بی هیچ تساهل و تسامح بلافاصله باید اعلام کرد دیدگاه هرمی - محفلی صرفاً یک خوراک زهرآگین در عرصه فکری و عملی جنبش اجتماعی است. به دیگر سخن یکی از کارکردهای این نوشته باید این باشد که با صراحت حضور فریبکارانه دیدگاه هرمی - محفلی را با نقاب جنبش اجتماعی که به شکل بزرگ کرده می خواهد خود را به جنبش اجتماعی تحمیل کند، افشا کند و اعلام دارد، اگرچه در رویکرد جنبشی جای بحث برای نقد انواع این طرز نگاه باز است اما به طور مطلق رویکرد هرمی - محفلی هیچ گونه جایگاهی در فعالیت های اجتماعی نمی تواند داشته باشد.

بین این دو رویکرد و روش فعالیت، هیچ گونه آشتی حتی بخشی و مقطعی نمی تواند باشد، چه اینکه آشکارا نه تنها سازوکار و روند فعالیت ها بلکه اهداف طراحی شده و منظور نظر این دو رویکرد در تضاد اساسی قرار دارند.

فعالان اجتماعی با تامل بیش از پیش در ماهیت، ساختار و رفتار اجتماعی این دو رویکرد، باید ضمن دامن زدن به مباحث مربوط به مبانی فکری این دو رویکرد برای جدا کردن صف خود از رویکرد هرمی، قدم های جدی بردارند و در فضایی شفاف و به دور از محافظه کاری به نقد رویکرد هرمی بپردازند. این فضای نقد شفاف و در پی آن مشارکت اجتماعی اعضا در یک تشکل مردم نهاد شرط لازم برای رسیدن به هدف اجتماعی مدنظر است که شرط کافی آن - در نهایت امر - پیوستن تمامی افراد جوامع بشری به این جنبش است. در مقوله جنبش لغو کار کودک تا هدف اساسی مشارکت نوع بشر برای رفع این معضل، فعالیت جنبش محور، تا رژه چند

میلیاردی علیه کار کودک ادامه خواهد داشت و در خط پایان مشترک با دیگر جنبش های اجتماعی، محو فقر، نابرابری و بی سوادى
جایزه رژه روندگان نوع بشر خواهد بود.
منبع : روزنامه اعتماد تاریخ ۲۴/۷/۱۳۸۷ صفحه ۸